

## رسوایی کابل بانک و موقف رییس جمهور جدید افغانستان در قبال آن

اکنون که حامد کرزی، پس از سیزده سال زعامتِ ناکام که متأسفانه میراث های ناگواری از خود بجا گذاشت و ظاهراً از صحنه سیاسی و رهبری کشور کنار رفت، اینک، نوبتِ حاکمیت سیاسی و یا فرصتِ رهبری سیاسی آقای اشرف غنی احمدزی بعنوان رییس جمهور کشور فرا رسیده .

وی، علاوه از صدور فرامین مبنی بر تعیین و تقرر در پُست های مهم دولتی و همچنان صدور دستورهایی در جهت وارد آوردن اصلاحات پیرامون برخی از امور اداری و قضایی و . . . ، قضیهٔ مربوط به اختلاسهای مالی بزرگ کابل بانک را نیز مطرح نمود و غرض اقدامات عاجل قانونی، حقوقی و اداری، زمان معینی را هم غرض اجرای دستور و پایان دادن به اجراءات منوط بدان تعیین کرد. البته یکی از مقتضیاتِ عاجل بررسی روند اختلاس های مالی کابل بانک، دستگیری حدود بیست تن از عاملان این اختلاسهاست، بخصوص دستگیری، تحقیق و برگرداندن پول های اختلاس شده از دو نفر زورگو و زیدخل مانند محمود کرزی برادر حامد کرزی و حصین فهیم برادر مارشال فهیم. ( تازه گزارشهایی به نشر رسیدند مبنی بر اینکه حتا زاهد فهیم فرزند نابالغ حصین فهیم نیز مقروض کابل بانک میباشد )

حال، نکتهٔ قابل دقت نزد افکار مردم افغانستان این است که آیا داکتر اشرف غنی خواهد خواست یا خواهد توانست بخصوص این دو تن را دستگیر، محاکمه و زندانی کند؟ اگر وی بخواد دست به چنین اقدام بزند، آیا نفوذ حامد کرزی که هنوز هم در محوطهٔ ارگ ریاست جمهوری بسر میبرد، عمرزاخلوال (اکنون مشاور ارشد امور مالی دولت آقای احمدزی) و طرفداران پُر نفوذ مارشال قسیم فهیم در بدنهٔ " حکومت وحدت ملی " و در جمع، مافیای قدرت و مکننت مانع آن نخواهند شد؟ و اگر چنین مانع وجود داشته باشد، آیا غنی احمدزی خواهد توانست خودش را بحیث یک رییس جمهور مصمم، با قدرت، و عملی کنندهٔ وعده و وعید هایش برای ملت افغانستان تثبیت نماید؟

قضیه کابل بانک از چند نقطه نظر اهمیت دارد و میتواند بمثابة یک آزمون حقوقی - اداری و سیاسی در برابر رییس جمهور جدید افغانستان قد برافرازد:

در بُعد داخلی قضیه باید گفت که نه تنها پای ملیونها دالر دارایی و امانت های نقدی مردم و شرکت های دیگر در میان است که بایستی بالاخره حق به حقدار برسد، بلکه ایجاد فضای تیره بی اعتمادی و نا باوری عامه که در قبال این قضیه، در قبال بانکداری نو پای کشور بوجود آمده است نیز مطرح میباشد. این بار عظیم نیز بر شانه های دولت اشرف غنی احمدزی سنگینی میکند که بایستی با مناسب ترین وجهی مرفوع گردد. علاوه، پای زورمندان داخلی و بلا خوران مافیای قدرت عمیقاً در این رسوایی دخیل است که وجود آنها، بخصوص ایستاده گی و سماجت آنان بعنوان مانع بر سر راه حل اساسی قضیه، سرانجام، آبرو و حیثیت " دولت وحدت ملی " را نیز برباد خواهد داد.

در بُعد خارجی باید گفت که اختلاسهای عظیم مالی کابل بانک، بدنامی، بی اعتمادی و رسوایی بزرگ بین المللی را نیز موجب گردید که نه تنها رژیم های جهان نسبت به مدیریت ضعیف دولت و نظام بانکی افغانستان نا باور شده و دولت حامد کرزی را از جمله فاسد ترین دولتهای دنیا شناختند، بلکه لطمه ناشی از آن، از نظرفکری و تبلیغاتی، دامن پاک شهروندان کشور ما را نیز گرفت. بدین معنا که بخشهای بزرگی از جهان، نسبت به مردم افغانستان هم سوژن پیدا کردند.

هرچند مدتی پیش، محکمه بی در کابل، دو نفر از مسوولان کابل بانک بنام های " شیرخان فرنود " و " خلیل الله فیروزی " را به چند سال زندان محکوم نمود، ولی باید بیا د داشته باشیم که صدور حکم زندان از سوی محکمه، تنها مجازات بخاطر عمل جرمی این قضیه تلقی میشود، نه حل کلی، ملی و حقوقی قضیه. در عین حال، آنچه برای مردم افغانستان و متضررین مهم است، همانا حصول پولهای اختلاس شده از نزد مجرمان بصورت کامل و به اسرع وقت میباشد. یعنی باید چنان جدی بود تا چند صد ملیون دالری که از دارایی های این بانک توسط تنی چند از کلاه برداران داخلی اخذ شده، برگردانده شود. از دید گاه عامه و مقتضیات حقوقی، هیچ حکم یا فیصله دیگر نمیتواند صاحبان امانت بانکی، افکار شهر و ندان افغانستان و جهان را قانع سازد.

بنابراین، اگر رییس جمهور جدید افغانستان در نخستین اقدام خویش در این مورد، موفقیت بدست آورد، مردم افغانستان باور مند خواهند شد که وی میتواند سایر گره های کوری را که متأسفانه از دوران زعامت سیزده ساله حامد کرزی بجا مانده اند، بگشاید.

در عین حال، آنچه را میتوان بعنوان اقدام نخست و اما، نا درست از جانب اشرف غنی دانست، عبارت از اینست که میدان هوایی بین المللی کابل را بسیار عجولانه بنام حامد کرزی مسما نمود. این

اقدام، نه تنها مردم افغانستان را ناراحت نمود، بلکه مورد تمسخر مردمان جهان نیز قرار گرفت. زیرا، مردم ما و دنیا با شنیدن این خبر، یکبار دیگر به این نتیجه رسیدند که گویا سرزمین افغانستان، نه تنها مکان امن برای تروریست های شناخته شده طالبی و پاکستانی است، بلکه جای مصوون و مناسب برای مسوولان و کارمندان ناکام، نالایق، استفاده جو و خاین پیشه نیز میباشد.

هرگاه آقای غنی احمدزی کمترین اعتقادی به دموکراسی و مردم سالاری میداشت، قبل از اتخاذ تصمیم در داخل ارگ جمهوری، موضوع مربوط به نامگذاری میدان هوایی بین المللی کابل را نه به این شتاب بی مانند، بلکه در مراحل بعدی کارها، مطرح مینمود، آنهم طوریکه اسمای تنی چند از شخصیت های نیکنام ملی - مردمی را فهرست میکرد و آنرا به نظرخواهی مردم محول نموده بر وفق نتایج این نظر خواهی عمومی، به نامگذاری میدان مذکور عمل مینمود.

حال، مردم افغانستان مشتاقانه منتظراند که آیا رییس جمهورشان همانسان که در جریان مبارزات انتخاباتی اش وعده سپرده بود، قانون را بالای همه ( در قدم اول بالای زورمندان ) تطبیق میکند؟ آیا برضد فساد مالی و اداری، بگونه فعالانه و مؤثر اقدام بعمل خواهد آورد؟ آیا گروه تروریستی طالبان را مانند سلف خویش " برادر " و " بچه های افغان " خطاب خواهد کرد و یا افکار عامه را برضد این آدمکشان حرفه یی بسیج خواهد نمود؟ آیا کارها را باسناد شایسته سالاری به اهل کار خواهد سپرد و یا باز هم همان سهمیه بندی و ملاحظیات قومی و زبانی و ... را مدنظر خواهد داشت؟ و بالاخره، آیا با چشم باز و با گوش شنوا و با وجدان بیدار، سکندار کشتی شکسته میهن بخون آلوده مان خواهد شد یا با دزدان مسلح دریایی برای غارت بیشتر همنوا خواهد گردید؟ (پایان)